پشت پرده جنایتی که در کرج رخ داد

شلیک عشق کور با گلوله کینه!

پسر عاشق پیشه که از پسرخاله‌اش کینه به دل داشت به خاطر دخترخاله‌اش و رهایی او در کرج دست به قتل مسلحانه زد.

■ **صدای مهیب**

ساعت ۹ شامگاه سه شنبه ۲۵ تیر امسال صدای مهیبی در منطقه کلاک شهر کرج به گوش رسید و وقتی اهالی منطقه از خانه‌هایشان خارج شدند با پسر جوانی که غرق خون روی زمین در وسط خیابان افتاده بود روبه‌رو شدند.

■ **یک جنایت**

خیلی زود تیم‌های امدادی و پلیس در محل حاضر شدند و در همان بررسی‌های ابتدایی مشخص شد که مرد جوان از ناحیه شکم هدف گلوله تفنگ شکاری قرار گرفته و به کام مرگ فرو رفته است.

همین کافی بود تا با جنایی شدن این پرونده گروهی از ماموران دایره جنایی پلیس آگاهی کرج برای تحقیقات پلیسی و شناسایی عامل جنایت وارد عمل شوند.

کارآگاهان با حضور در محل جنایت پی بردند که مرد جوان در چند قدمی خانه‌اش هدف تیراندازی قرار گرفته است، در این مرحله تیم پلیسی به سراغ خانواده نجیب ۳۳ ساله رفت.

■ **زن مرموز**

زن ۲۵ ساله نجیب در تحقیقات ابتدایی به ماموران گفت: همسرم ساعت ۸ شب آشفته از خانه خارج شد و ادعا کرد به پارک نزدیک خانه می‌رود که ساعت ۹ شب صدایی به گوش رسید و وقتی از خانه خارج شدیم با جسد خونین شوهرم در چند قدمی خانه روبه رو شدم.

وی افزود: نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده است هیچ کسی با همسرم اختلافی نداشت و با دیدن جسد شوهرم شوکه شدم.

کارآگاهان در تحقیقات میدانی با توجه به این که زن جوان ادعا کرده بود هیچ اختلافی با شوهرش نداشته است اطلاع یافتند که این زوج جوان با هم اختلاف داشته اند که در این زمینه تجسس‌ها روی زن جوان متمرکز شد.

■ **خیانت زنانه**

تیم پلیسی در نخستین پلان کاوشگری‌هایش احتمال دادند که زن جوان در ماجرای قتل شوهرش نقش داشته باشد و با دستور مقام قضایی زن ۲۵ ساله دستگیر شد.

همزمان پلیس فاش کرد زن جوان با پسرخاله ۲۲ ساله‌اش در ارتباط بوده است اما این زن تاکید داشت که پسرخاله‌اش در این ماجرا نقشی نداشته و خودش نیز از قتل شوهرش مطلع نبوده است.

■ **بازداشت قاتل**

دو روز از ماجرای قتل مسلحانه نجیب می‌گذشت که پسر جوانی به نام اصغر پای در پلیس آگاهی کرج گذاشت و خواست تا پرونده دخترخاله‌اش را پیگیری کند.

در این مرحله ماموران اصغر ۲۲ ساله را که یکی از مظنون‌های اصلی در ماجرای قتل نجیب بود دستگیر کردند اما پسر جوان اصرار داشت بی گناه است و برای کمک به دخترخاله‌اش به پلیس آگاهی آمده است اما وقتی در بازجویی‌های پلیسی شروع به تناقض گویی کرد به ناچار مجبور شد راز این قتل را فاش کند.

■ **کینه قدیمی**

پسر جوان ادعا کرد که دخترخاله‌اش با پسرخاله‌اش ازدواج کرده بودند و شوهرش او را همیشه به باد کتک می‌گرفت و با توجه به کینه‌ای که از قدیم از پسرخاله‌اش داشته است در یک لحظه تصمیم به قتل او گرفته و با تفنگ شکاری دست به قتل زده است.

عامل این جنایت در بازجویی‌ها گفت که دخترخاله‌اش از ماجرای انتقام گیری و قتل هیچ اطلاعی نداشته و به خاطر عشق یک طرفه دست به قتل زده است.

■ **گفت‌وگو با قاتل عاشق پیشه**

اصغر ۲۲ ساله که عاشق دخترخاله‌اش است ادعا می کند که سال ها قبل پسرخاله‌اش با فریبکاری خواهرش را از خانه فراری داده و او را هدف آزار و اذیت قرار داده است، به همین دلیل از همان زمان کینه به دل گرفته بود و وقتی عاشق دخترخاله اش می شود با توجه به این که شوهرش او را کتک می زده، مرتکب قتل عاشقانه شده است.

■ **سابقه داری؟**

نه.

■ **شغل؟**

سوپرمارکت دارم.

■ **به چه جرمی دستگیر شدی؟**

قتل.

■ **چه کسی؟**

پسرخاله‌ام که شوهر دخترخاله‌ام بود.

■ **چرا؟**

پسرخاله‌ام زنش را کتک می زد و چون از او کینه داشتم در یک لحظه دست به قتل زدم.

■ **چه کینه‌ای؟**

وقتی بچه بودم، پسرخاله‌ام و برادرش به خواستگاری خواهرم آمدند که در آن زمان خانواده ام مخالفت کردند بین پدرم و آن ها اختلاف پیش آمد تا این که بعد از مدتی پسرخاله‌هایمان به بهانه این که می خواهند خواهرم را نزد پسر مورد علاقه‌اش ببرند او را از خانه بیرون کشاندند و به شهریار بردند و آن جا هدف آزار و اذیت قرار دادند.

■ **تو از این ماجرا اطلاع داشتی؟**

نه، دو سال قبل یکی از بستگانم برای من تعریف کرد و از همان روز کینه به دل گرفتم.

■ **عاشق شدی؟**

بله، عاشق دخترخاله‌ام که با پسر خاله‌ام ازدواج کرده است.

■ **از چه زمانی عاشق شدی؟**

بعد از این که دخترخاله‌ام ازدواج کرد و همراه شوهرش به خانه ما می آمد به او علاقه مند شدم تا این که پسرخاله‌ام – شوهرش – در جلوی چشمان ما زنش را به باد کتک می گرفت و به او توهین می کرد که من از روی دلسوزی به او نزدیک شدم و همین باعث شد تا به دخترخاله‌ام علاقه‌مند شوم.

■ **عشق دو طرفه بود؟**

با هم در ارتباط بودیم ولی من عاشق او شده بودم.

■ **دخترخاله‌ات از تو خواست که شوهرش را بکشی؟**

نه، حتی وقتی دستگیر شدم و فهمید من شوهرش را کشتم شوکه شد و به این کارم اعتراض کرد.

■ **روز جنایت چه اتفاقی افتاد؟**

شب قبل از قتل، دخترخاله‌ام به من پیامک زد که شوهرش او را باز کتک زده است، عصبانی شدم و تصمیم گرفتم او را ادب کنم. به همین خاطر فردای آن روز مغازه را بستم و به باشگاه بدن سازی رفتم. ساعت ۸ شب بود که به سر خیابان خانه آن ها رفتم و منتظرش ماندم که با چهره‌ای عصبانی از خانه بیرون آمد و به پارک سر خیابان رفت و بعد از یک ساعت وقتی به سمت خانه‌اش باز می گشت تفنگ شکاری را آماده کردم و به تعقیبش رفتم که نجیب در نزدیکی خانه صدای پایم را شنید و به عقب برگشت که در همان لحظه من گلوله را شلیک کردم که گلوله به شکمش اصابت کرد.

■ **بعد از قتل کجا رفتی؟**

قبل از این که تصمیم به قتل بگیرم، با یکی از دوستانم برنامه سفر به شهرهای شمالی را چیده بودیم که به جلوی در خانه دوستم رفتم و با هم به شمال رفتیم.

■ **چند روز در شمال کشور بودی؟**

مسافرتمان دو روز طول کشید.

■ **تفنگ شکاری را از کجا تهیه کردی؟**

چند روز قبل مردی به مغازه‌ام آمد و بستنی خرید و گفت شکارچی سراغ‌داری که گفتم نه و در ادامه ادعا کرد که یک تفنگ شکاری دارد و به دنبال مشتری است و آن را داخل خودرویش به من نشان داد و به قیمت یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان خریدم.

■ **تفنگ را برای قتل خریدی؟**

نه، آن زمان برای قتل آن را تهیه نکرده بودم و تنها به این فکر می کردم شاید با هم درگیر شویم و بتوانم از آن استفاده کنم.

■ **قبل قتل از تفنگ شکاری استفاده کرده بودی؟**

تفنگ شکاری فقط دو گلوله داشت که یکی از آن ها را زمان خرید برای امتحان و دومی را زمان قتل شلیک کردم.

■ **قصد داشتی با دخترخاله ات ازدواج کنی؟**

بله.

■ **آیا او حاضر به زندگی در کنارت بود؟**

نمی‌دانم.

■ **تو چرا در کار دخترخاله ات دخالت کردی؟**

چون هیچ کسی از او حمایت نمی کرد و تنها مانده بود.

■ **عذاب وجدان داری؟**

برای قتل عذاب وجدان ندارم و تنها به خاطر پدر، مادرم و خانواده خاله‌ام ناراحت هستم.

■ **به اعدام فکر می کنی؟**

می‌ترسم، از مرگ و اعدام می ترسم.

■ **به نظرت بخشیده می شوی؟**

نمی دانم.

■ **ارزش داشت به خاطر دخترخاله‌ات دست به قتل بزنی؟**

چون دخترخاله‌ام آزاد شده و در آرامش است، ارزش داشت.

■ **تعریف از عشق چیست؟**

کسی که عاشق می شود دیگر هیچ چیز متوجه نمی شود و فقط عشق برایش مهم است.

بنا بر این گزارش، متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران دایره جنایی پلیس آگاهی کرج قرار گرفت.

تحلیل کارشناس

کینه های در دسرساز

دکتر مصطفی اقلیما آسیب شناس اجتماعی| کینه‌ورزی و کدورت های کهنه در جامعه امروزی عامل اصلی بروز قتل ها و جنایت های هولناک محسوب می شود. در برخی خانواده ها بروز برخی اتفاقات، هنجار به شمار می رود در حالی که همین مسائل از دید جامعه ناهنجاری هایی است که باعث ایجاد کدورت و در نهایت درگیری های منجر به قتل می شود. کینه ورزی در برخی فرهنگ ها موضوعی عادی است که آتش نفرت و خشم را برپا می کند. معمولا کینه‌ورزی به دلیل از بین رفتن ارزش ها و کمرنگ شدن مسائل ارزشمند و مهم شکل می گیرد. برخی نزاع ها و درگیری هایی که حل نشده باقی می ماند عامل اصلی تشدید کینه و کدورت می شود و در گروه های اجتماعی مختلف جنایت های هولناکی را رقم می‌زند. افراد کینه جو اغلب در خانواده هایی رشد یافته اند که ضعف تربیتی دارند و همین خرده فرهنگ ها سبب تخریب فرهنگ سالم در یک جامعه می شود زیرا در باور این افراد خیلی از ناهنجاری ها شکل گرفته و هنجار به شمار می رود. سال ها زمان می برد تا فرهنگ نادرستی که در فرد، خانواده و جامعه شکل گرفته است به فرهنگ سالم تبدیل شود. زیرا در این حالت باید تفکرات و باورهای فردی و جمعی تغییر کند که این خود نیازمند گذر زمان است. معمولا افرادی که شخصیت ضداجتماعی دارند با کینه جویی دست به انتقام می زنند و تا زمانی که انتقام نگیرند از خود رضایت پیدا نمی کنند. این مسائل در تربیت افراد ریشه دارد زیرا با لجبازی کردن از دوران کودکی شروع می شود و نوع تربیت این افراد به گونه ای بوده که فقط انتقام گیری را آموخته اند و روحیه گذشت و ایثار در آن ها پرورش نیافته است. تلافی کردن در برخی روابط برای بعضی افراد به معنای اعتبار شخصیت است که متاسفانه همین کینه ورزی ها سبب بروز قتل و آدم کشی می شود. تعامل، سازنده تر از تقابل خواهد بود و تقابل های بی مورد است که نتیجه اش کینه ورزی و قتل می شود. خشم پنهان و رفتارهای تلافی جویانه از خانواده شروع می شود که به جامعه و محیط های دیگر تعمیم پیدا می کند. اگر خانواده روحیه گذشت، بخشش و ایثار را به عنوان یک مقوله فرهنگی در سنین کم به فرزندان آموزش دهد قطعا کمتر شاهد کینه‌ورزی هایی هستیم که به قتل منجر می شود.

سناریوی تکان دهنده‌ای که در تهران کلید خورد

۳ زن در تله شوم عنکبوت زرد

سه زن تهرانی اصرار دارند که از سوی عنکبوت زرد به صورت بی رحمانه‌ای هدف نیت شوم قرار گرفته اند و او باید اعدام شود.

قضات دیوان حکم تبرئه عنکبوت زرد از تجاوزهای سریالی را شکستند و خواستار رسیدگی ویژه شدند.

■ **سرنوشت شوم**

اوایل سال ۹۴ یک زن جوان به نام پریا سرنوشت شوم خود را پیش روی پلیس قرار داد. وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: اوایل سال ۹۳ دوست صمیمی ام پروانه هراسان با من تماس گرفت و در حالی که اشک می‌ریخت گفت از سوی یک پسر جوان مورد آزار قرار گرفته و مرد جوان از او فیلم تهیه کرده است. او از من درخواست کمک کرد و من هم که دلم برای دوست صمیمی ام سوخته بود به او قول دادم کمکش کنم. من همراه دوست صمیمی ام برای پس گرفتن عکس ها و فیلم ها با پسر جوان قرار گذاشتیم. او هم که پسر مودبی بود قول داد عکس ها و فیلم ها را تحویلم دهد اما یک باره به سمت حاشیه تهران رفت و با تهدید چاقو مرا آزار داد.

وی ادامه داد: وقتی این ماجرا را به پروانه گفتم فهمیدم که من سومین قربانی جنایت سیاه این مرد هستم و او قبل از پروانه دوست صمیمی دیگرمان به نام شیدا را هم آزار داده بود.

به دنبال شکایت این زن تلاش برای ردیابی پسر جوان آغاز شد و دو زن دیگر شناسایی شدند.

■ **خانم مربی**

شیدا که مربی باشگاه بدن سازی است به پلیس گفت: ماجرا با رفتن من به یک سوپرمارکت آغاز شد. در سوپرمارکت پسر جوانی به من گفت تلفن همراهش را در خانه جا گذاشته و حالا می خواهد یک تماس ضروری با مادرش بگیرد. من هم تلفن همراهم را به او دادم اما وقتی به خانه برگشتم تماس های پسر جوان آغاز شد و آن جا بود که فهمیدم پسر جوان از تلفن همراه من با تلفن خودش تماس گرفته و شماره مرا به دست آورده است.

مزاحمت های پسر جوان ادامه داشت تا این که مرا تهدید کرد و من به ناچار به دیدنش رفتم و به او گفتم نامزد دارم و بهتر است دست از مزاحمت بردارد. مدتی از پسر جوان خبری نبود تا این که ازدواج کردم اما باز هم مزاحمت های او شروع شد و حتی چند بار با همسرم تماس گرفت. او می گفت از طریق شبکه های پیام رسان تلفنی به عکس های خصوصی ام دسترسی پیدا کرده است و قصد دارد آن ها را پخش کند. مزاحمت های او باعث شد که همسرم مرا طلاق دهد.

این زن گفت: پسر جوان ادعا داشت به من علاقه‌مند شده است و اگر برای آخرین بار به دیدنش بروم دست از سرم برمی دارد. من هم با او قرار گذاشتم اما او با زور و تهدید مرا به پارک جنگلی سرخه حصار برد و آزارم داد. او از این صحنه فیلم تهیه کرد و گفت این فیلم را در شبکه های مجازی پخش می کند. من که ترسیده بودم ماجرا را با دوستم پروانه در میان گذاشتم. من به همراه پروانه و فرزند خردسالش با پسر جوان قرار گذاشتیم و سوار خودروی او شدیم. دوستم با او صحبت کرد و او قول داد عکس ها و فیلم ها را پس دهد اما در میان راه به سمت حاشیه تهران رفت. هر چه من و دوستم به او التماس کردیم اجازه دهد از خودرو پیاده شویم قبول نکرد. او به شدت ما را کتک زد و به زور به یک خانه ویلایی در حاشیه تهران برد.

این زن گفت: پسر جوان می خواست دوستم را هم آزار دهد که مقاومت کرد اما پسر بی رحم فرزند خردسال دوستم را از پنجره بیرون گرفت و تهدید کرد اگر به خواسته او تن ندهیم فرزند خردسالش را از پنجره ساختمان پرت می کند. او بی رحمانه من و دوستم را آزار داد و از ما فیلم گرفت. سپس ما را از ویلا بیرون برد و در میان جاده رها کرد. دوستم که می ترسید به خانه اش برگردیم با دوست صمیمی اش پریا تماس گرفت و از او کمک خواست. این طور بود که سومین زن هم به دام شیطانی این پسر گرفتار شد اما ما از ترس آبرویمان جرئت نکردیم به پلیس حرفی بزنیم تا این که پریا به پلیس آگاهی رفت و شکایت کرد.

■ **بازداشت عنکبوت زرد**

به دنبال حرف های تکان دهنده این زن، قربانی دیگر نیز شناسایی و ردیابی مرد جوان آغاز شد. پلیس از طریق ردیابی شماره تلفن پسر جوان وی را پیدا و او را بازداشت کرد.

در حالی که دو زن دیگر شکایت های مشابهی را تسلیم پلیس کرده بودند مرد ۳۵ ساله به اتهام زنای به عنف، آدم ربایی منتهی به زنای به عنف و اکراه و سوء استفاده از سه زن در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی حسین اصغرزاده و با حضور دو قاضی مستشار پشت درهای بسته و غیرعلنی محاکمه شد.

وی خودش را بی گناه خواند و منکر آزار شیطانی شد. متهم ادعا کرد سه زن جوان به خواسته خودشان با وی رابطه برقرار کرده اند و به زور آن ها را آزار نداده است.

■ **تبرئه**

در پایان جلسه دادگاه که بیش از چهار ساعت طول کشید قضات وارد شور شدند و عنکبوت زرد را از اتهام تجاوز به عنف تبرئه و وی را به ۱۰۰ ضربه شلاق، ۱۰ ماه زندان، یک سال تبعید به شهری دور افتاده و ۱۸۰ ساعت خدمات عمومی رایگان در شهرداری «رفتگری» محکوم کردند.

■ **اعتراض به حکم**

اما با اعتراض سه زن به حکم صادر شده، پرونده در شعبه هفتم دیوان عالی کشور تحت رسیدگی موشکافانه قرار گرفت و قضات عالی رتبه با طرح چندین ایراد حکم صادر شده را شکستند.

قضات دیوان در گزارشی اعلام کردند اگر چه متهم در جلسه دادگاه منکر زنای ساده بوده ولی به ارتکاب رفتار غیراخلاقی اعتراف کرده است. ارسال پیامک های غیراخلاقی و تهدیدآمیز به یکی از شاکی ها و ارسال تصاویر مستهجن و برهنه یکی از آن ها حکایت از ارتکاب رفتار مجرمانه و تهدیدآمیز دارد. از طرفی با بررسی زندگی شخصی یکی از شاکی ها به نام پروانه که دارای همسر و فرزند و موقعیت شغلی و اجتماعی بالاست منطقی به نظر نمی رسد که وی خودش همراه متهم به ویلای دوست وی رفته باشد و سپس نیمه شب در راه بازگشت خودش را از خودروی متهم به بیرون پرتاب کند از این رو لازم است تا پرونده بار دیگر رسیدگی شود.

با اظهار نظر قضات دیوان عالی کشور و شکسته شدن حکم صادر شده، پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه هم عرض ارسال شد تا عنکبوت زرد بار دیگر از خود دفاع کند.